

تحلیل محتوای دیالوژیکی فیلم ۱۲ مرد خشمگین (۱۹۵۷)

محمد امین چهاردولی^۱، حسین چهاردولی^۲

^۱ کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی بروجرد (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان شهید مقصودی همدان

چکیده

دیالوگ با ظرفیت خود می تواند در حوزه عمومی (سپهر عمومی) شکل بگیرد و آن را بازتولید کند. دیالوگ عمل ارتباطی و تجربه یکدیگر بین دو یا چندین فرد که به شکل بیان و نوشته، جریان و ایده و معانی را به قصد مفاهمه و روشنگری در فضای مشترک و خالی از سلطه و در شرایط برابر و محترمانه انتقال می دهند. سپهر عمومی امکانی در زندگی جمعی انسان هاست که با تحقق آن، افراد جامعه می توانند از طریق یکدیگر به سخن آیند و با مفاهمه به امر عمومی توجه کنند، و آن را مورد بحث و گفتگو قرار دهند. در سپهر عمومی افراد در وضعیتی آزاد، دور از تحمیل ها و اجبارها، امر عمومی را مورد بحث و نظریات یکدیگر را مورد ارزیابی قرار می دهند، و بدین وسیله، امکان رسیدن به یک توافق جمعی واقعی را به حداکثر می رسانند (پدرام، ۱۳۸۸: ۲۳). اتاق هیئت منصفه در فیلم ۱۲ مرد خشمگین مثالی برای سپهر عمومی است. دیالوگی در این محیط شکل می گیرد که افراد بدون سلطه بر یکدیگر با روی آوردن به هم، به مفاهمه می رسند. بررسی مولفه های گفت و گویی و ضد گفت و گویی این فیلم می تواند بعنوان مثالی عینی در مبحث دیالوگ به ما یاری رساند. برای بررسی دیالوگ های این فیلم از روش تحلیل محتوای تجمعی (کیفی و کمی) استفاده گردیده است تا همزمان از مزایای هر دو روش استفاده گردد. جامعه آماری این پژوهش تمامی دیالوگ های فیلم ۱۲ مرد خشمگین است که مورد بحث در قالب هیئت منصفه دادگاه می باشد. در ادامه قابل ذکر است که واحد ثبت در این پژوهش دیالوگ هر شخص می باشد. یافته ها حاکی از آن است که در مجموع شاخص های گفت و گویی با ۸۴٪ بیش از شاخص های ضد گفت و گویی با ۱۶٪ تکرار شده اند. در بین شاخص های گفتگویی، شاخص "حفظ آرامش و خویشنداری و پرهیز از شتاب/ دعوت به حفظ آرامش و رواداری" پرتکرارترین شاخص مشاهده شده بوده است. در مجموع، اصل "صداقت و صراحت" نیز بیش از سایر مفاهیم گفتگویی به کار گرفته شده است. از طرفی شاخص مربوط به "کمالپذیری و امیدواری/ گوش دادن و تعلیق" به نسبت کمتر مشاهده شده است. در بین شاخص های ضد گفتگویی نیز شاخص "جوسازی و تنش افزایی/ تحریک و تقسیم بندی و جدا سازی/ رویارویی/ اغراق/ فاجعه سازی/ استفاده از عبارات با بار ارزشی" بیش از بقیه تکرار شده است. در مجموع، اصل "تنافر و خشونت" نیز بیش از سایر مفاهیم ضد گفتگویی به کار گرفته شده است. از طرفی شاخص مربوط به "افتراق و چندپارگی" به نسبت کمتر مشاهده می شود.

واژه های کلیدی: دیالوگ، گفت و گو، فیلم ۱۲ مرد خشمگین، تحلیل محتوا

(۱۲ مرد خشمگین Angry Men ۱۲) فیلمی درام حقوقی محصول سال ۱۹۵۷ آمریکاست که بر اساس داستانی تلویزیونی به همین نام نوشته رچینالد رز و به کارگردانی سیدنی لومت ساخته شده است. داستان درباره هیئت منصفه دادگاهی متشکل از دوازده نفر است که بایستی درباره گناهکار بودن یا بی گناهی جوانی به اتهام قتل تصمیم گیری کنند: نوجوانی هجده ساله از اهالی آمریکا لاتین متهم به قتل پدرش گردیده است. شواهد نشان می دهد او با ضربات متعدد چاقو پدر خود را به قتل رسانده است، گرچه نوجوان که به نظر ضعیف و افسرده حال می رسد این اتهام را قبول ندارد با این حال وجود چاقویی در محل وقوع حادثه که به ظاهر متعلق به نوجوان مذکور است و او ادعا می کند آن را مدتی قبل گم کرده و خبری هم از محل آن نداشته است، به عنوان مدرک جرم، دلیلی برای مجرم شناختن او از سوی دادگاه شده است. حال دوازده مرد از طبقات مختلف اجتماعی به عنوان اعضای هیئت منصفه دادگاه، مأمور تصمیم گیری نهایی درباره این پرونده شده اند. اگر آن ها فرد متهم به قتل را محکوم نمایند، وی باید روی صندلی الکتریکی اعدام شود. در فرایند رأی گیری یازده نفر از اعضای هیئت منصفه رأی به محکومیت و در نهایت اعدام نوجوان می دهند اما در این بین یک نفر از آنان یعنی تصمیم گیرنده شماره ۸ رأی بر بی گناهی متهم می دهد و پیشنهاد صحبت در این باره را می دهد. با پیشروی ماجرا در اتاقی که اعضای هیئت منصفه آن در فضای عصبی مشغول بحث و بررسی پرونده هستند قصه فیلم شکوفا می شود و به صورت مطالعه ای استادانه درباره شخصیت های پیچیده ای در می آید که به عنوان عضو هیئت منصفه می خواهند رأی نهایی را صادر کنند. پس زمینه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هریک از این اعضا، باعث واکنش های مختلف آنان در زمان حال می شود. در چنین موقعیت و اوضاع و احوالی است که شماره ۸ تلاش می کند بقیه همکارانش را متقاعد کند که رأی آن ها اهمیتی حیاتی دارد و نباید به راحتی درباره آینده و زندگی دیگران تصمیم بگیرند و سرانجام پس از یک ساعت و نیم بحث پرونده کاملاً روشن می شود)) (ویکی پدیا، ۱۲ مرد خشمگین (فیلم ۱۹۵۷)).

(آیا می شود آدم هایی از نسل های مختلف و با طبقات اجتماعی متفاوت بر سر یک میز بنشینند و با وجود اختلاف نظرهای فراوان با یکدیگر بحث کنند؟ و آیا می شود به یک نتیجه گیری امید داشت؟ سیدنی لومت هم با تمهیدات کارگردانی اش و هم از زبان کاراکتر اصلی اش (که هنری فوندا نقش آن را بازی می کند) مدام به ما اعلام می کند که ممکن است... ممکن است... یا به بیان دقیق تر It's Possible فیلم ۱۲ مرد خشمگین درباره ممکن هاست. ممکن هایی هرچند طاقت فرسا و دشوار اما ارزشمند برای تحقق یافتن) (جلالی، ۱۳۹۸).

۱۲ مرد به اتاقی وارد می شوند که گرمای قضاوت زود هنگام و گمراهی، آن ها را از همان ابتدا کلافه کرده است. در سطح اتاق پخش می شوند و هرکس با رفتاری که در ابتدا از خود نشان می دهد به نوعی معرف خود هم است. یکی به فکر مسابقه بیس بالش است و آسوده به جای صندلی، روی میز می نشیند. دیگری مشغول خواندن آگهی های روزنامه می شود. گویی رفتاری که هریک از آن ها در درجه اول از خود نشان می دهند، موجب نوعی قضاوت در ما نیز می شود. چرا که هریک از ما مخاطبان نیز به عنوان سیزدهمین نفر در این اتاق حاضریم تا رفته رفته با افشای تدریجی اطلاعات در فیلمنامه، پازل های این پرونده را در کنار هم بگذاریم و تشخیص دهیم که این متهم گناهکار است یا بی گناه. حال بررسی کنیم که لومت برای معرفی این ۱۲ نفر چه تمهیداتی اندیشیده است. (جلالی، ۱۳۹۸)

این فیلم آینه تمام نمای جامعه دهه ۶۰ آمریکا و با نگاهی گسترده ترمی توان گفت که تصویری روشن از جوامع انسانی مدرن است که در آن هر شخص به مثابه نماینده ای از طبقه مخصوص خویش است و با آنکه به موضوع واحدی می اندیشند ولی تجربیات و تعصبات مختلف باعث جدایی آن ها از یکدیگر می شود و به گونه ای حکایت معروف فیل در اینجا هم تکرار می شود که هر کسی با پرده هایی که از خودخواهی ها، کج فهمی ها و تعصبات مختلف بر دیدگان خویش کشیده است درک متفاوتی از مسئله جرم و جنایت و حتی نوع نگاه به آن دارد و با تمام تفاوت هایی که این قشرهای گوناگون جامعه با یکدیگر دارند در یک مورد مشترکند و آن نگاه سطحی به مشکلات جامعه و احساس عدم نیاز به موشکافی بیشتر و ریشه یابی بزهکاری

های اجتماعیست که نتیجه آن خشونت در بین جوانان، دزدی، قتل، فحشا و دیگر انحرافات اجتماعی را باعث می شود که دست آخر راحت ترین راه برای حل مسئله پاک کردن صورت مسئله و فرستادن مجرم به پای چوبه دار است. (وبسایت نقد فارسی، ۱۴۰۰)

دیالوگ

دیالوگ عمل ارتباطی و تجربه یکدیگر بین دو یا چندین فرد که به شکل بیان و نوشته، جریان و ایده و معانی را به قصد مفاهمه و روشنگری در فضای مشترک و خالی از سلطه و در شرایط برابر و محترمانه انتقال می دهند. دیالوگ فرآیند آشنایی زدایی و بازآشنایی در عرصه عمومی است که افراد در آن بدون تحمیل و تحت تاثیر قرار دادن دیگری با کنار گذاشتن پیش فرض ها با مفاهمه و با هم اندیشیدن، به خلق و پیدایش چیزی نو دست می زنند. در دیالوگ طرفین با اشراف بر جهل خود و سپس با میل به دانائی و دانستن، با درک مشترک و دوست داشتن یکدیگر و اعتقاد به نیاز به همدیگر، صریح و بدون تظاهر بصورت همدلانه از روی دانایی به فهم و شناخت مفاهیم جهان دست می زنند.

لغت دیالوگ (dialogue) از واژه یونانی ((دیا)) و ((لوگوس)) برگرفته شده است که اولی به معنای ((از طریق)) و دومی به معنای ((معنی)) است. در اصل، دیالوگ یا گفت و گو ((جریان داشتن معنی)) است. (اسحاق، ۱۳۸۰، ۵) گفت و گو به عنوان معادل فارسی دیالوگ در لغت نامه‌ی دهخدا به معنای ((مباحثه، مجادله، مکالمه، هنگامه و پرخاش، مشاجره، بحث، جنجال، گفتار و گفت و شنود)) آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۶۹۳-۱۳۹۳).

افلاطون گفت و گو را هنر پرسیدن و پاسخ گفتن و توانایی ارائه تعریف به ((دیگری)) و قدرت دریافت تعریف درستی از او می داند که تنها راه رسیدن به زیبایی مطلق و وقوف به حقیقت است (خانیک، ۱۳۹۲: ۲۵). دیوید بوهم گفت و گو را ارتباط گفتاری یا ((عمل ارتباطی)) دو فرد، فرد با گروه و یا چندین فرد با یکدیگر- به وسیله بیان یا نوشته- تعریف می کند. و معتقد است این ارتباط از طریق جریان و انتقال ایده و معنا در درون یا بیرون افراد و در میان جمع در مورد موضوع مشترک به منظور مفاهمه و روشنگری درباره این موضوع در فضای مشترک رابطه انجام می شود (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۱۵۱). هابرماس دیالوگ را در پیوندی متقابل با خودمختاری افراد جامعه و گسترش برابری و آگاهی در آن جامعه می داند (نیلی، ۱۳۹۳: ۲). فریر (۱۹۹۷) دیالوگ را لحظه ایجاد رابطه ی دوباره آدمی با هستی و خلق جهان می داند: ((انسان ها مانند حیوانات ساکت و آرام نیستند، بلکه زبان آورانی هستند که برای نامیدن جهان آمده اند)) (فریر، ۱۹۹۷: ۶۹). و ملکیان (۱۳۸۱) گفت و گو را مکالمه ای می داند که در آن شرکت کنندگان برای نیل به هدفی واحد و مشترک که حل یا رفع مسئله یا مشکل مبتلا به همه شان است، به فهم و نقد سخن یکدیگر می پردازند. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۱۳۰، به نقل از خانیک، ۱۳۹۲: ۱۷۳) نیستانی (۱۳۹۸) دیالوگ را دارای دو معنای مختلف می داند: شناختی و ارتباطی. در معنای شناختی، دیالوگ تبادل اندیشه بین دو شخص یا بیشتر است. در معنای ارتباطی، بیانگر عملی است که در آن افراد فرصت می یابند تا با هم ارتباط برقرار کنند و یکدیگر را تجربه کنند. (نیستانی، ۱۳۹۸: ۱۴). احمد پورنجاتی (۱۳۸۷) گفت و گو را فرآیند آشنایی زدایی و بازآشنایی در عرصه عمومی می داند که دارای مشخصاتی است: ۱- نخست آنکه سخن درباره یک کنش اجتماعی در عرصه عمومی است و نه یک ابتکار یا اقدام مشخصی در قلمرو خصوصی؛ ۲. دیگر آنکه گفتگو پیش از هر چیز کاخ تصورات پیشین دو طرف را از یکدیگر ویران می کند. یعنی باید این خاصیت را داشته باشد؛ ۳. سرانجام به غایت عریانی و بی پردگی، رخسار تمام عبار هر طرف را در برابر دیدگان طرف دیگر نمایان می سازد. (پورنجاتی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۸۱-۵۸۰)

ندانستن آغاز راه دیالوگ است. هر کس گام در راه گفتگو می گذارد، نقطه ی عزیمت خویش را "ندانستن" قرار می دهد و چون می داند که گفتگو از "شنیدن" آغاز می شود، جسارت ورود به عرصه های ناشناخته را دارد. (خانیک، ۱۳۸۷: ۱). ((علم به جهل، محرکی میشد تا شخص در گفتگو با دیگران معرفت خویش را پرورش دهد. این نکته ی سقراطی در جهان مدرن از وضوح و اهمیت بیشتری برخوردار شده است. انسان عصر جدید دریافته که اولاً چیزی به نام معرفت مطلق و یقینی وجود ندارد

و هرچه هست مجموعه ای از فرض ها و حدس های غیریقینی در باب ماهیت امور و واقعیات است. ثانیاً رشد معرفت تنها در گرو نقد مستمر این فرض ها است و ثالثاً اندیشیدن با خود و در خود در مسیر رشد و تعالی معرفت عقیم میماند)) (بوهم، ۱۳۸۱: ۲۰). (فیلسوفان جدید به این نکته توجه کرده اند که هر یک از آدمیان از منظر خاص خود به واقعیت می نگرند و هیچ کس نمی تواند بر کل واقعیت احاطه پیدا کند و از این رو تصویری که هر کس از هستی ارائه می دهد، رنگ دیدگاه خود او را با خود دارد. از رهگذر گفتگو با دیگران و آشنایی با دیدگاه های آنان است که می توان هم از بند اندیشه های نادرست، رهایی یافت و هم به نکات ارجمندی دست پیدا کرد که بر فرد و جمع آشکار نبوده است)) (پایا، ۱۳۸۱: ۲۰).

یک دیالوگ خالی از سلطه و تسلط بر طرف مقابل است. به عبارت دیگر در جریان گفتگو چیزی تازه میان افراد متولد می شود که تا پیش از آن بدین صورت نزد هیچکدامشان موجود نبوده است. اما در هر صورت این گونه ارتباط برقرار کردن زمانی می تواند منجر به پیدایش چیزی تازه و نو شود که آدم ها قادر باشند به گونه ای آزاد، بدون هر گونه پیشداوری و بدون سعی در هر گونه تحمیل و تحت تاثیر قرار دادن هم، کلام یکدیگر و تنها به دنبال رسیدن به آنچه صحیح تر و مستدل تر است، باشند و آمادگی کنار گذاشتن عقاید و نیات کهن هاشان را داشته باشند. اما وقتی که هر یک از طرفین فقط در پی این باشد تا برخی از عقاید و دیدگاه های مشخص را به دیگری منتقل کند، گفتگویی به وجود نخواهد آمد چرا که در این صورت هر یک از طرفین به دیگری از دریچه ی تفکرات خودش گوش می دهد. تفکراتی که بنا دارد آنها را حفظ کند و یا بدون توجه به اینکه آیا صحیح و مستدل است یا خیر، از آن ها دفاع نماید. ایجاد امری مشترک مستلزم گفت و شنودی متقابل و تلاشی مشترک است و نه چیزی که از سوی یک طرف به دیگری تحمیل و اجبار شود. در گفتگو هر یک از طرفین سعی نمی کند تا اندیشه، دانش و اطلاعاتی نزد خویش را به همان صورت به دیگری منتقل کرده و به معرفت مشترک مبدل سازد. بلکه تلاش می کنند با مشارکت یکدیگر چیز تازه ای را خلق کنند (بوهم، ۱۳۸۱: ۲۷).

((در گفت و گو، ابتدا تفاهم مشترک در مورد مسائل مورد نظر به وجود می آید و سپس روند ((با هم اندیشیدن))، زمینه ی ارائه پیشنهاد برای یافتن راه حل فراهم می شود)) (خانیکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۰). ((و مشترکات در مبادله ی سخن گفتن و شنیدن حاصل می گردد)) (حیدری، ۱۳۸۲: ۶۴). ((هنگامی که کنش متقابل بین دو نفر، به چیزی بیش از تبادل پیام های لفظی منجر شود و آن دو به این درک مشترک برسند که یکدیگر را می فهمند، دوست دارند، می شناسند، و به هم نیاز دارند، آن گاه، ارتباط ماهیت تراکنشی به خود می گیرد)) (محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۳۹). ((دیالوگ با عشق همچون خون در بدن آدمی است، وقتی که جریان خون می ایستد بدن می میرد و آنگاه که دیالوگ متوقف شود، عشق می میرد و نفرت به جای آن متولد می شود)) (Howe, 1963: 3). ((دیالوگ را باید لحظه ی ایجاد رابطه ی دوباره آدمی با هستی و خلق جهان دانست. انسان ها مانند حیوانات ساکت و آرام نیستند، بلکه زبان آورانی هستند که برای نامیدن جهان آمده اند)) (فریر، ۱۹۹۷: ۶۹).

مارتین بوبر می گوید: ((در جایی که گفتگو مناسب با ماهیت آن جریان پیدا می کند یاران حقیقتاً به هم روی می آورند با صراحت سخن می گویند و از هرگونه تظاهر آزادند ترتیب امکان بهره وری مشترکی به وجود می آید که قابل تامل است و در جای دیگر نمی توان آن را یافت.)) (هارتکه مایر، ۱۳۹۵: ۴۹). دیالوگ را می توان روشی برای تفکر و اندیشیدن با دیگری دانست. در واقع، دیالوگ جست و جویی است مشترک، خلاقانه، همدلانه و از روی دانایی برای فهم و شناخت مفاهیم جهان. از این دیدگاه، دیالوگ وسیله یا فن نیست، بلکه بیشتر فرایند، نگرش یا لحظه ای است که دو شخص یا بیشتر با یکدیگر ملاقات می کنند. (نیستانی، ۱۳۹۸: ۱۳) دیالوگ نه تنها کنکاشی جمعی است درباره ی محتوای هستی و هرآنچه می گوئیم، می اندیشیم و احساس می کنیم، بلکه جست و جویی است درباره انگیزه ها، فرضیه ها و باور های اساسی که منجر به اعمال ما می شود. (نیستانی، ۱۳۹۸: ۱۴)

مولفه‌های گفت‌وگویی

مولفه‌هایی هستند که هر چه بیشتر در گفت و گو به کار روند آن گفت و گو به تعریف ما از دیالوگ با کیفیت گفته شده نزدیک تر خواهد بود.

مولفه‌های ضد گفت‌وگویی

مولفه‌هایی هستند که هر چه بیشتر در گفت و گو به کار روند آن گفت و گو به تعریف ما از دیالوگ با کیفیت گفته شده دور تر خواهد بود، و شاید آن گفت و گو را از مفهوم دیالوگ خارج کند و به اشکال دیگر ارتباطات گفتاری تبدیل نماید.

نیلی (۱۳۹۳) مولفه‌های گفتگویی و مولفه‌های ضدگفتگویی با تاکید (بیشتر) بر کار قاضی مرادی (۱۳۹۷) و دیگر اندیشمندان دیالوژیکی را دو جدول بعنوان شاخص‌های گفت و گویی و شاخص‌های ضد گفت و گویی بصورت مفاهیمی شامل کدهای عملیاتی تعریف نموده است. پژوهشگران با تاکید بر کار نیلی (۱۳۹۳) و با تغییراتی بر اساس دیدگاه‌های دیالوژیکی، تغییراتی در این دو جدول ایجاد کرده و آن را برای تحلیل محتوای جامعه مورد نظر کافی و اغنا کننده می دانند.

جدول ۱ - شاخص‌های گفت و گویی

مفهوم	کد عملیاتی
صداقت و صراحت	تعریف پیش فرض‌ها و مفاهیم / خودآگاهی و خوداصلاحی
	ارجاع و استناد به منابع و مآخذ
	پاسخ / استدلال / توضیح و تشریح
	تمرکز بر بحث و رعایت پیوستگی میان مطالب / دعوت به تمرکز بر بحث و رعایت پیوستگی میان مطالب
احترام	حفظ آرامش و خویشتن‌داری و پرهیز از شتاب / دعوت به حفظ آرامش و رواداری
	دعوت به گفتگو / استقبال از گفتگو
کم‌الذیری و امیدواری / گوش دادن و تعلیق	طرح سوال و پرسش
	تایید و کامل کردن گفته دیگری / خلق ایده و معنای مشترک جمعی
	نسبی گرایی
	درکنار هم بودن و روی بر هم آوردن
	ارجاع به گفته‌ی دیگری

جدول ۲ - شاخص‌های ضد گفت و گویی

مفهوم	کد عملیاتی
ناآگاهی و ایقان	جزم اندیشی / بدیهی انگاری پیش فرض ها / دانای کل
	تحلیل و نقد بدون ارجاع و استناد به منابع و مآخذ
	استدلال نامعتبر / کلی گویی
	مغلق گویی و استفاده مفرط از زبان تخصصی

بی تفاوتی	تنافر و خشونت
طعنه / تمسخر و تحقیر	
برچسب زنی / نیت خوانی / تمایل به درک نیت / شخصی سازی /	
توطئه انگاری / قضاوت و پیش داوری	
جوسازی و تنش افزایی / تحریک و تقسیم بندی و جدا سازی / رویارویی /	
اغراق / فاجعه سازی / استفاده از عبارات با بار ارزشی	
رها کردن بحث	افتراق و چندپارگی
شتاب در گفتگو و قطع کردن صحبت دیگری	
پراکنده گویی	
بی ارتباطی و اغتشاش فکری	

روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به ویژگی های دیالوگ و اهداف پژوهش و همچنین توصیفی بودن سوالات از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. با توجه به محسنات هر کدام از روش های تحلیل محتوای کیفی و تحلیل محتوای کمی از روش تحلیل محتوای تجمعی استفاده گردیده است. روش تحلیل محتوای تجمعی به ما کمک می کند تا هم زمان از مزایای پژوهش کمی و کیفی بهره ببریم.

تحلیل محتوا

کریپندورف (۱۳۸۷) تحلیل محتوا را روشی پژوهشی معرفی می کند که بمنظور استنباط تکرار پذیر و معتبر از داده ها در مورد متن آنها بکار می رود. (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵: ۵۹). ((تحلیل محتوا به طور بالقوه یکی از مهمترین تکنیک های پژوهشی در علوم اجتماعی است که در پی شناخت داده ها نه به منزله مجموعه ای از رویداد های مادی، بل به منزله پدیده های نمادین استو بدون ایجاد اخلال در واقعیت اجتماعی به تحلیل آنها می پردازد)) (کریپندورف، ۱۳۸۸: ۷). ((می توان گفت که محققان به تحلیل محتوا به منزله روشی انعطاف پذیر برای تحلیل اطلاعات توجهی ویژه دارند)) (Rosengren, ۱۹۸۱: ۱۹-۹، به نقل از ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۸). ((تحلیل محتوا بیانگر رویکردهای تحلیل گوناگون است، و از رویکردهای برداشت گرایانه حدسی و تفسیری تا رویکردهای نظام مند و دقیق را در برمی گیرد)) (Weber, ۱۹۹۰، به نقل از ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۸). ((هر موقع با توجه به نوع مطالعه و با توجه به علاقه خود می تواند نوع ویژه ای از تحلیل محتوا را برگزیند)) (Tesh, ۱۹۹۰، به نقل از ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۸).

تحلیل محتوای کیفی

((تحلیل محتوای کیفی، تمرکز بر مشخصات زبان دست آورده ارتباطی برای به دست آوردن معنا و محتوای متن دارد)) (Budd & et al, ۱۹۶۷، به نقل از ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۸). در این روش - که برخی آن را از روش های تحلیل روایتی می دانند - هدف بررسی محتوای درون متن است. در تحلیل روایتی محقق نوعاً با مجموعه ای از اصول آغاز کرده و در

صدد استخراج معنا از متن با قواعد و اصول ویژه است. چنین تحلیلی در یک رهیافت متنی، کیفی باقی می ماند، در حالی که در تحلیل محتوای کمی، عناصر متنی شمارش می شوند. از این رو، تحلیل محتوای کمی تقلیل گراتر بوده و به رویکرد اثباتی نزدیک تر است. در اهمیت این شیوه تحلیل می توان به گفته برگ (۲۰۰۶: ۳۰۷) اشاره کرد که «شمارش» عناصر متن را برای شناسایی، سازماندهی، شاخص بندی و خلاصه سازی داده ها بسیار اساسی می داند. (محمد پور، ۱۴۰۰: ۴۱۹)

تحلیل محتوای کمی

به اعتقاد برلسون (۱۹۵۲) در تحلیل محتوا، ویژگی های ظاهری یک پیام (متن، مکالمه و ...) را به شکل عینی (مستقل از برداشت شخصی محقق) و نظام مند (بر طبق قواعد معین و کمی بر اساس شاخه های آماری) توصیف می کنند. (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۸)

روش تحلیل محتوای تلفیقی (تجمعی)

گلشنی و قائدی (۱۳۹۱ و ۱۳۹۲) درباره روش تحلیل محتوا تلفیقی (تجمعی) چنین می گویند: ((هر چند استفاده از روش های کمی در مقام داوری تجربی، درجه عینیت را افزایش می دهد با وجود این، تحلیل کمی از تحلیل کیفی بی نیاز نیست. تحلیل کیفی، بار معنایی یافته های کمی را روشن تر می کند. در رویکردهای تلفیقی، پژوهشگر به استفاده هم زمان رویکردهای کمی و کیفی بر حسب موضوع پژوهش می پردازد و با بهره گیری از روش های کمی و کیفی، سعی در مطالعه جامع تر موضوع دارد. برای مثال، در روش فازی، پلی بین روش کمی و کیفی قرار داده می شود. این پل از راه فازی سازی روش تحلیل انجام می شود. روش تلفیقی با ترکیب رویکردهای کمی و کیفی از پدیده های اجتماعی، به شناخت عمیق تری منجر می شود. این ترکیب که از دهه ۱۹۹۰ میلادی به عنوان یکی از پارادایم های مطرح فلسفی-روشی علوم اجتماعی صورت می گیرد، آغازگر مرحله ای نوین از توسعه روشی در علوم اجتماعی بوده و با عنوان جنبش سوم روش شناسی مطرح شده است)) (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵: ۷۷).

((در روش تحلیل محتوای تلفیقی، همانند روش تحلیل محتوای کمی پژوهشگر به شمارش واژه ها، جمله ها و مفاهیم دست می زند، اما فرآیند پژوهش در این جا متوقف نشده و به جای تمرکز بر فراوانی داده ها و آرایه تحلیل آماری از آن، پژوهشگر توجه خود را به استفاده از واژه ها در هر بافت خاص معطوف می کند. دنبال کردن این هدف موجب می شود که همانند سایر پژوهش های کیفی، داده ها در بستر ظهورشان و در رابطه با سایر عوامل اثرگذار درک شوند. با تمرکز بر محتوای پنهان در تحلیل محتوای تلفیق، یافته های حاصل از شمارش داده ها با در نظر گرفتن عوامل گوناگونی تعدیل می شوند، از جمله اینکه: چه معانی پنهان و آشکاری در استفاده از هر واژه یا مفهوم ویژه، مد نظر است؟ هر یک از واژه ها یا مفاهیم در چه شرایطی بکار برده شده و یا نشده اند؟ چه زمانی استفاده مستقیم یا غیر مستقیم آنها ترجیح داده شده است؟ در یک بافت خاص از یک مفهوم، چه برداشتی وجود دارد؟ و این که چه عوامل مؤثر احتمالی در یک زمان، تمرکز بیشتر و یا کمتر بر یک موضوع را رقم زده اند؟ چنین رهیافت تلفیقی که داده ها را شمارش میکند و نتایج بدست آمده از آن را با توجه به مقتضیات پژوهش، مورد تفسیر قرار می دهد، به دنبال بهره بردن هم زمان از مزایای پژوهش کمی و کیفی است)) (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۳۴-۱۳۳، به نقل از قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵: ۷۸).

جامعه و نمونه‌ی آماری، واحدهای تحقیق

جامعه آماری این پژوهش تمامی دیالوگ های فیلم ۱۲ مرد خشمگین (۱۹۵۷) که مورد بحث در قالب هیئت منصفه دادگاه است، می باشد.

در ادامه قابل ذکر است که واحد ثبت در این پژوهش دیالوگ هر شخص می باشد. واحد ثبت عناصری از محتوایست که در فرایند کدگذاری طبقه بندی می شوند. (رایف، ۱۳۸۱: ۶۷ به نقل از نیلی، ۱۳۹۳: ۵۰)

در ابتدا نتایج بدست آمده در دو جدول مولفه های گفت و گویی و مولفه های ضدگفت و گویی دسته بندی و ارائه خواهد شد. نمونه هایی از موارد گفت و گویی و ضد گفت و گویی به عنوان مثال ذکر خواهد شد.

بررسی شاخص های گفت و گوی و شاخص های ضد گفت و گویی

در این قسمت شاخص های گفت و گویی و شاخص های ضد گفت و گویی در هر یک از نمونه ها مورد بررسی قرار گرفته است. نبود شاخص های ضد گفت و گویی به منزله وجود مولفه های گفتگویی در نظر گرفته خواهد شد. برای مثال هرکجا که شاخص تنافر و خشونت موجود نباشد فرض بر احترام بین طرفین گفت و گو می باشد. همچنین برخی مولفه ها همچون نسبی گرایی و پراکنده گویی در درون متن مصداق می یابد و در مواردی قابل ذکر نخواهد بود.

یافته ها

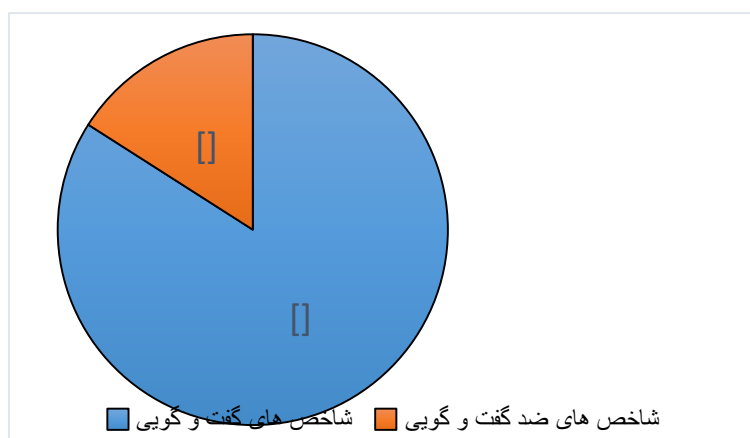
جدول ۳ - شاخص های گفت و گویی در فیلم ۱۲ مرد خشمگین

مفهوم	کد عملیاتی	تعداد	جمع
صداقت و صراحت	تعریف پیش فرض ها و مفاهیم / خودآگاهی و خوداصلاحی	۲۲	۶۷۵
	ارجاع و استناد به منابع و مآخذ	-	
	پاسخ / استدلال / توضیح و تشریح	۲۸۹	
	تمرکز بر بحث و رعایت پیوستگی میان مطالب / دعوت به تمرکز بر بحث و رعایت پیوستگی میان مطالب	۳۶۴	
احترام	حفظ آرامش و خویشتنداری و پرهیز از شتاب / دعوت به حفظ آرامش و رواداری	۳۷۴	۳۷۴
کمابذیری و امیدواری / گوش دادن و تعلیق	دعوت به گفتگو / استقبال از گفتگو	۲۸	۱۹۸
	طرح سوال و پرسش	۱۴۱	
	تایید و کامل کردن گفته دیگری / خلق ایده و معنای مشترک جمعی	۱۴	
	نسبی گرایی	۱۲	
	ارجاع به گفته ی دیگری	۳	
جمع			۱۲۴۷

جدول ۴ - شاخص های ضد گفت و گویی در فیلم ۱۲ مرد خشمگین

مفهوم	کد عملیاتی	تعداد	جمع
ناآگاهی و	جزم اندیشی / بدیهی انگاری پیش فرض ها / دانای کل	۱۵	۲۴

	-	تحلیل و نقد بدون ارجاع و استناد به منابع و مآخذ	ایقان
	۹	استدلال نامعتبر/ کلی گویی	
	-	مغلق گویی و استفاده مغرط از زبان تخصصی	
۲۰۶	۵	بی تفاوتی	تنافر و خشونت
	۷۵	طعنه/ تمسخر و تحقیر	
	۱۲	برچسب زنی/ نیت خوانی / تمایل به درک نیت/ شخصی سازی/ توطئه انگاری/ قضاوت و پیش داوری	
	۸۰	جوسازی و تنش افزایی/ تحریک و تقسیم بندی و جدا سازی/ رویارویی/ اغراق/ فاجعه سازی/ استفاده از عبارات با بار ارزشی	
	۷	رها کردن بحث	
	۲۷	شتاب در گفتگو و قطع کردن صحبت دیگری	
۷	۲	پراکنده گویی	افتراق و
	۵	بی ارتباطی و اغتشاش فکری	چندپارگی
۲۳۷			جمع



نمودار ۱: درصد شاخص های گفت و گویی و ضد گفت و گویی

همانطور که در جداول بالا مشاهده میشود، در مجموع شاخص های گفت و گویی با ۸۴٪ بیش از شاخص های ضد گفت و گویی با ۱۶٪ تکرار شده اند. در بین شاخص های گفتگویی، شاخص "حفظ آرامش و خویشتنداری و پرهیز از شتاب/ دعوت به حفظ آرامش و رواداری" پرتکرارترین شاخص مشاهده شده بوده است. در مجموع، اصل "صداقت و صراحت" نیز بیش از سایر مفاهیم گفتگویی به کار گرفته شده است. از طرفی شاخص مربوط به "کمالپذیری و امیدواری/ گوش دادن و تعلیق" به نسبت کمتر مشاهده شده است. در بین شاخص های ضد گفتگویی نیز شاخص "جوسازی و تنش افزایی/ تحریک و تقسیم بندی و جدا سازی/ رویارویی/ اغراق/ فاجعه سازی/ استفاده از عبارات با بار ارزشی" بیش از بقیه تکرار شده است. در مجموع، اصل "تنافر و خشونت" نیز بیش از سایر مفاهیم ضد گفتگویی به کار گرفته شده است. از طرفی شاخص مربوط به "افتراق و چندپارگی" به نسبت کمتر مشاهده می شود.

نمونه هایی از موارد رعایت اصول گفتگویی:

((اتفاق این بوده، پسره مونده خونه، با پدرش مشاجره کرده، بهش چاقو زده و خونه رو دوازده و ده دقیقه ترک کرده و بعد اثر انگشتش رو از روی چاقو پاک کرده)) (تعریف پیش فرض)

((من حرف تازه ای برای گفتن ندارم، من هم به قدر شما میدونم)) (خود آگاهی و خود اصلاحی)

((نه نه، نگفت سیلی، گفت مشت، بین سیلی و مشت فرق زیادیه)) (توضیح)

((در پاسخ) به نظرم ده ثانیه درست هست)) (پاسخ)

((اون از شب قتل تا روز دادگاه سه ماه وقت داشت تا این چیزا رو حفظ کنه، برای یه وکیل فهمیدن اینکه در شب خاصی سینما چه فیلم هایی رو روی پرده داشته کار مشکلی نیست)) (استدلال)

((محض رضای خدا دو دقیقه مرافعه رو بزارید کنار)) (دعوت به حفظ آرامش و رواداری)

((حالا ادامه بدین، هرچی دوست دارین بگین)) (دعوت به گفتگو / استقبال از گفتگو)

((مرد طبقه پایینی میگه که شنیده پسره به پدرش گفته می کشمت، بعد صدای برخورد جسد با زمین رو میشنوه، به طرف در میره و می بینه پسره داره از خونه فرار میکنه، در این مورد چی داری بگی؟)) (طرح سوال)

((من به دقت به صحبت ها گوش کردم و به نظرم میرسه این مرد به نکته های جالبی داره اشاره می کنه)) (تایید و کامل کردن گفته دیگری)

((شاید حق با شما باشه)) (نسبی گرایی)

((خودت گفتی بقیه چیز ها رو بریز دور)) (ارجاع به گفته دیگری)

و نمونه هایی از موارد اصول ضد گفتگویی:

((پیرمرد پسره رو توی راه پله ها دیده، چه فرقی میکنه چند ثانیه طول کشید؟)) (جزم اندیشی)

((وظیفه ماست که این آقا رو قانع کنیم که حق با ماست و داره اشتباه میکنه)) (دانای کل)

((همه چی به قدر کافی گفته شده)) (کلی گویی)

((چرا فکر میکنه زرنکه، اون فکر میکنه کیه؟)) (جو سازی و تنش افزایی)

((میشه از نفر بعد بپرسید)) (بی تفاوتی)

((میگن خوبم چاقو میکشه، اما پسر خوبیه!)) (طعنه)

((این روزها همه بچه ها همین، من وقتی کوچیک بودم به پدرم میگفتم قربان! آره! این روزها هیچ بچه ای به پدرش قربان نمیکه)) (شخصی سازی)

((از وقتی اومدی اینجا مته یه مریض خودخواه که میخواد از همه انتقام بگیره رفتار کردی، تو میخوای پسره اعدام بشه چون خواسته ات اینه، نه بخاطر حقایق، تو سادیسم داری!)) (برچسب زنی)

((هی رئیس اونطرفی ها، نظر تو چیه؟)) (تحریک و تقسیم بندی)

نتیجه گیری

در این فیلم ما شاهد دعوت به گفتگو از طریق یک شخص هستیم که نظر مخالف با اکثریت دارد. او اغلب با رعایت مولفه های گفتگویی به استقبال گفت و گو با دیگر اعضای هیئت منصفه رفته و به مرور با هم اندیشی با دیگران به مفاهمه دو طرفه دست می یابد. اینچنین مفاهمه ای تنها از طریق دیالوگ در سپهر عمومی امکان پذیر است که هیچ یک از طرفین دیالوگ به سلطه

گری بر دیگری نپردازد. همچنان که در متن فیلم می آید هر عضوی از هیئت منصفه شغل و پایگاه اجتماعی متفاوتی دارد. اما هیچکدام بر دیگری ارجعیتی ندارد و نمی تواند به اعمال سلطه بر دیگری بپردازد. اینچنین محیطی به فرد شماره ۸ که اولین فرد مخالف با محکومیت پسر است، کمک می کند تا با طرح مسائل و استدلال و دیگر مولفه های گفت و گویی، دیالوگ را آغاز کرده و به فهم متقابل با دیگر اعضاء برسد.

منابع

- اسحاق، ویلیام (۱۳۸۰). گفت و گو و هنر با هم اندیشیدن، ترجمه محمود حدادی، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ایمان، محمد تقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی، مجله پژوهش، سال سوم، شماره دوم
- بوهم، دیوید (۱۳۸۱). درباره خلاقیت، ترجمه محمدعلی حسین نژاد، نشر ساقی، چاپ اول
- بوهم، دیوید؛ (جمع آوری و تدوین: نیکول، لی) (۱۳۸۱). درباره ی دیالوگ، ترجمه محمدعلی حسین نژاد، نشر دفتر پژوهشهای فرهنگی
- بی نام (۱۴۰۰). ۱۲ مرد خشمگین (فیلم ۱۹۵۷)، وبسایت ویکی پدیا، بارگزاری در تاریخ: ۱۴۰۰/۶/۲، https://fa.wikipedia.org/wiki/12_men_angry
- بی نام (۱۴۰۰). دوازده مرد خشمگین (12 Angry Men)، وبسایت نقد فارسی، بارگزاری در تاریخ: ۱۳۹۱، <http://naghdefarsi.com/title/12-angry-men/#comments>
- پایا، علی (۱۳۸۱). "گفت وگو" در جهان واقعی: کوششی واهی یا ضرورتی اجتناب ناپذیر؟، نشر طرح نو
- پدرام، مسعود (۱۳۸۸) سپهر عمومی، نشر یادآوران، چاپ اول
- پورنجاتی، احمد و سعید مدنی و سعید لیلان و هادی خانیکی (۱۳۸۷). چرا گفتگو به تفاهم نمی انجامد؟، ماهنامه بازتاب اندیشه، شماره ۱۰۲
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۴
- جلالی، امیر محمد (۱۳۹۸). نقد فیلم Twelve Angry Men، وبسایت زومجی، تاریخ بارگزاری: ۱۳۹۸/۸/۸، <https://www.zoomg.ir/movie-tv-show-review/-angry-men-movie-review-12-310080>
- حیدری، احمد علی (۱۳۸۲). گادامر فیلسوف گفت وگو، مجله نامه فرهنگ، شماره ۴۲
- خانیکی، هادی (۱۳۹۲). در جهان گفتگو، نشر هرمس، چاپ دوم
- خانیکی، هادی و فاطمه نوربراد (۱۳۹۸). کاربرد روش تحلیل گفت و شنود در ارتباطات میان فردی؛ تحلیل ارتباطی گفت و-گویی کندوکاو محور دانش آموزان دوره ابتدایی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱۲، شماره ۳
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). لغت نامه ی دهخدا، جلد ۱۱
- رایف، دانیل و دیگران (۱۳۸۱). تحلیل پیام های رسانه ای، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، نشر سروش
- فریره، پائولو (۱۹۹۷). آموزش شناخت انتقادی، ترجمه منصوره (شیوا) کاویانی، انتشارات آگاه
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۹۷). شوق گفتگو و گستردگی فرهنگ تک گویی در میان ایرانیان، نشر قطره، چاپ دوم
- قائدی، محمد رضا و علیرضا گلشنی (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی گرایی تا کیفی گرایی، فصلنامه روش ها و مدل های روانشناختی، سال هفتم، شماره ۲۳
- کرپیندورف، کلوس (۱۳۸۸). تحلیل محتوا: مبانی روش شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، نشر نی، چاپ چهارم
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۴). ارتباط شناسی، نشر سروش، چاپ دوم
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۹۱). ارتباطات انسانی، نشر سمت
- محمد پور، احمد (۱۴۰۰). ضد روش: زمینه های فلسفی و رویه های عملی در روش شناسی کیفی، نشر لوگوس، چاپ سوم
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱). راهی به رهایی: جستاری در باب عقلانیت و معنویت، نشر موسسه نگاه معاصر

نیستانی، محمد رضا (۱۳۹۸). اصول و مبانی دیالوگ، تهران، نشر یار مانا
نیلی، مرضیه (۱۳۹۳). کیفیت گفتگو مداری روشنفکران متاخر، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پژوهش علوم
اجتماعی، دانشگاه تهران
هارتکه مایر، مارتینا و یوهانس هارتکه مایر و فریمن دوریتی (۱۳۹۵) با هم اندیشیدن راز گفتگو، ترجمه فاطمه صدر عاملی
(طباطبایی)، نشر اطلاعات، چاپ سوم

Budd, R. W. & R. K. Thorp & L. Donohew, (1967) Content analysis of communications, New York, Macmillan
Howe, R. L. (1963). The Miracle of Dialogue. New York, NY: E. P. Dutton.
Rosengren, K. E. (1981) "Advances in Scandinavian content analysis: An introduction, Advances in Content Analysis, In K. E. Rosengren (Ed.), CA: Sage, Beverly Hills
Tesch, R. (1990), Qualitative research: Analysis Types and Software tools, Bristol, PA